

28-1980



طرس طوطی طوطی

یک خردوان است و در کتب کبیر

کتابش از الف به است

طوطی طوطی طوطی

سازگار است در کتب کبیر

ازین و نظارت و از کتب کبیر

در این دو کتب با کتب کبیر

سازگار است



APT 2451 ИЕHA 9 КОЛ

OCT 81--102--76

سلام علیکم
 در روز جمعه پنجمین فرست
 بروج اول
 در شهر اول نظر به است
 تقیته که فرستاده مجاز
 است
 صلوات
 صلوات

طاطر - طاطر - طاطر
طاطر - طاطر - طاطر
طاطر - طاطر - طاطر

باید و اینها و اینها ساخت
از سه و نمون روی تواری ساخت
از یک خرد و روان است و در یک گفت کبریا
دو یا نه وی از نظیرند از کینه شش از الف جها ساز
و نه و کت و در نهایت
و اینها و اینها و اینها

علاج عدوی و عرق شمشاد و عسل و عطر و عرق

کاز سرش هم توان بخش

باید عین ارجان ساخت

چون مردم دیده اند این

ای آرزو نهال باغ کونین

فهرست بقول کنیک را ای

یک نوع نوده اند شمشاد

در صفت عین حسن شمیم

علاج عرق شمشاد و عسل و عرق شمشاد و عسل و عرق شمشاد

فان وجدوا مني فليسوا مني
فان وجدوا مني فليسوا مني

بوند الف بحرف با

که فست بقره لیک را

کینظ سستیر نونی

فان سست بقره نونی

و بیج کف مندر غیر نیت

طراش زبها نظر کم

تیری زده برک نش

کرس بیچ اند ای یکا نه

فان وجدوا مني فليسوا مني
فان وجدوا مني فليسوا مني

کلاسیک کرم کرم کرم کرم
 کلاسیک کرم کرم کرم کرم
 کلاسیک کرم کرم کرم کرم
 کلاسیک کرم کرم کرم کرم

بیشتر وزارت

که جان که از باسد

که در بین صفت تراب

نوز الف کرک

زیبا الفی است

مقدار دو نظر کردن او

پهروان مستحق

و

استباج مد مرمره نیش مصطفی معنی

درون درون و در

نوش قطره است نجبه از من
است تو از نیک والی

لام است اسم از یک است
آیه بطور چه کریم

از و این بیم با کم و است
بایش از سر صبح

مستحق نام من منی صحرای ملامی نوز

ابرو صحیح پدید آید
 و ز نوک کلمه در شش سیزده
 ز آنگونه بیاض او نماید
 و آنگاه افزیده بر آید
 بر او این او بر سر آید
 بقسط صورت گشت باز
 لا رانی نیست در آغاز
 و راه نقطه بنه در آغاز
 و رانی نیست در آغاز
 متعلق

تا

۲
کد بودی کل من مضمون هر شست و یک صفت

ز آن گونه بیاض هر دو آید
که نسبت انفرود کرد نماید
لا در اسراف به پهلوی تم

باید سر به سه نقطه کردن
بیک نقطه کرد بی کردن
که ندانم دو دو ال حاصل آید

و تبارک است احسن الخالقین رب العالمین
تصنیف

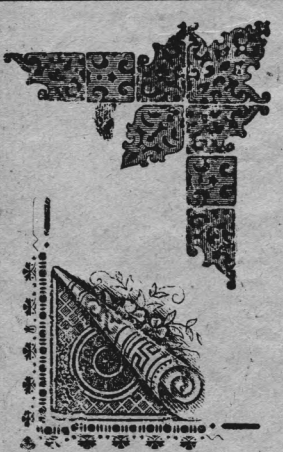
و التالیف



کیمال کون دیکری است
 دین طرز هنر سخنوار است
 به سعوار و خضر جانان است
 کازایا کی کون تو باشی

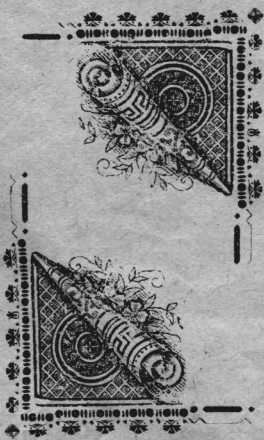
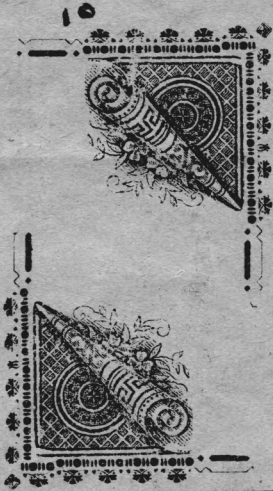
چو نواز غزوت ز مفرودا تا آمد

وقت مشق مرکب تا آمد

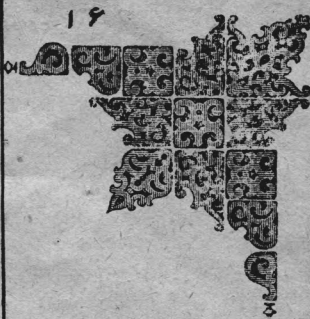


توت و سلم هر دو می باید

کرمی نیست خط کرمی

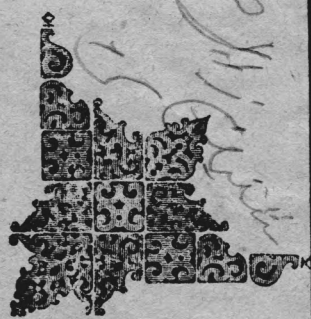


شیدم ز اهل ندر دبارا



۱۶

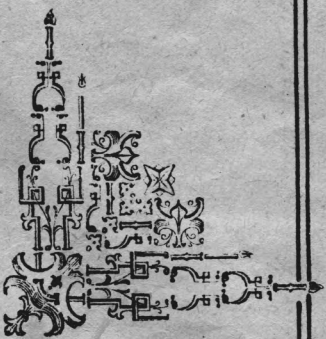
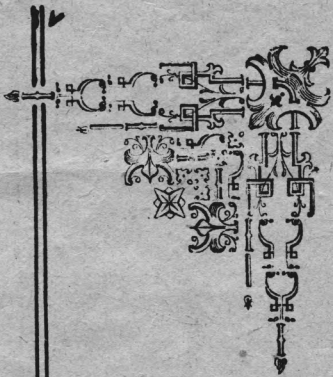
کازیشوق یوشوکارا



Handwritten signature or text in the bottom right quadrant.

آب آموز و علم حاصل کن

تاشوی در زمستان از کبریا



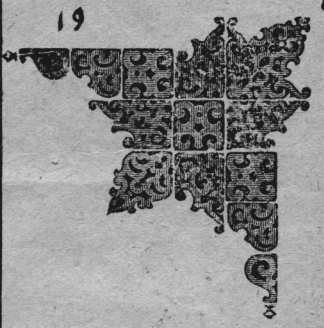
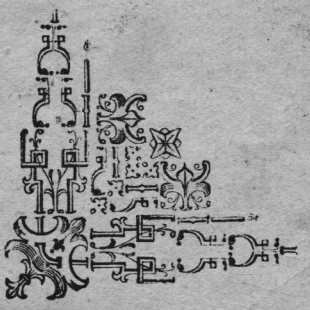
تلمیح کرمین شامی

تلمیح کرمین شامی

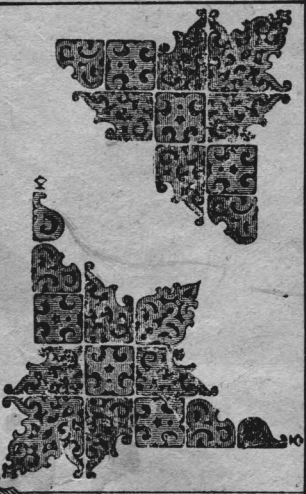
تلمیح کرمین شامی

تلمیح کرمین شامی

تلمیذ اہل کرام



طریقہ خانیہ علی کرام



بازگشته از دود پروری
انهد از افغان
از کوه و دشت
از راه و پست
از کوه و دشت
از راه و پست
از کوه و دشت
از راه و پست

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد واله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد واله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد واله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد واله الطيبين
الطاهرين



سخن بر زبان دراز است
پند و اندرز بر لب است

سخن بر زبان دراز است
پند و اندرز بر لب است

سخن بر زبان دراز است
پند و اندرز بر لب است

سخن بر زبان دراز است
پند و اندرز بر لب است

سخن بر زبان دراز است
پند و اندرز بر لب است

بعلما نویسند^۲ معلم در سگاه معلومات عقلی نفع کمال
العیار کثیر الاعتبار علم العلماء فضل الفضلاء فصیح انصاف محض
علم بحکم معظم علم تابع سنت شریع جاریم صلح و فزع قد و
و زنده ابرار شریعت پناه حقیقت کاه فراط ناز و کبریا
خورشید منزلت متعالی مرتبت وقت بلند در امتیاز کسب
کمالات صورت و حسنوی را عالم الهی و تجنیات اند آفات سما
دار نمی بر کنار دارد و طسلی بیا یون را از دروس متخصلین
کم کما در رب العباد ثانیاً آنکه کذا و کذا بقبول کاه و
عرض ازین جور از خدمت دور کسی تصور بخدمت مرحمت
تفت گشت کبابی قله خیر و کعبه تحقیقی موصول با درماعت
فرمانبر و رضا کسرتیت سوای درافت شرف صحبت کثیر
انخاصیت مدعای یکر تنها باشد نیست شب و روز اقبالندی
پشت و پناهی ام مع اتباع و احزاب ایشان مطلوب و مقصود
همدست که سهم التجاهد فاجابت مقرون کرده ثانیاً نهفته مبارک
پدر به پسر نویسند از چند ورقه یعنی معتمدی وضع
الاحقاد و دلج الانقیاد سر با اخلاص حضرت احد قدیم و صمد

تلمذ سال در پناه عافیت خویش نام و من موصون شد
 ال ... نوی ...
 در آنکه حضرت ...
 خوش شایسته گردانیده و عطا نمایی بذل نموده آسایش

هر دو بهما بهرستان ...
 هر اسله دعا گوئی و رضا جوئی و عبس رض میرسام که که کذا
 بهمشیره نویسنده داعیه و صیغه منت پرستی
 جگر بهم رسان دوخته و دلی با تشن استیاق خود
 مجوره آنکه ... از نظر نامحرمان را
 از مسرت بهجت هر دو
 مالا نهاییه و اصل که

و کما درت سب و نایا اسد اسد
کما درت سب و نایا اسد اسد

کما درت سب و نایا اسد اسد

کما درت سب و نایا اسد اسد
کما درت سب و نایا اسد اسد

کما درت سب و نایا اسد اسد

کما درت سب و نایا اسد اسد

کما درت سب و نایا اسد اسد

الاحمد

